

شهید اوّل، پاسدار حریم تشیع

<?xml encoding="UTF-8">

جبل عامل (زادگاه شهید اوّل) منطقه ای است در جنوب لبنان و در ساحل دریای مدیترانه که از رود لیطانی به طرف جنوب تا حدود فلسطین امتداد دارد. البته حدود جغرافیایی آن دقیقاً معین نشده است. نام این منطقه، از قبیله بنی عامله گرفته شده است که پس از شکسته شدن سدّ مأرب از یمن کوچ کردند و در آنجا اقامت گزیدند.

شیخ حرّ عاملی، از دانشمندان مشهور جبل عامل، می نویسد: قدیمی ترین گروههای شیعی، بعد از شهر مدینه در جبل عامل نشو و نما یافتند و به جاهای دیگر نیز منتشر شده اند. او می گوید: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، چهار نفر از اصحاب وی به عنوان شیعیان مخلص علی علیه السلام شناخته شدند که عبارت بودند از: سلمان، ابوذر، مقداد و عمار و سپس 12 نفر دیگر به آنان پیوستند. شیعیان، همچنان در زمان خلفا کم و زیاد می شدند، تا اینکه در عصر عثمان، ابی ذر به ناحیه شام تبعید شد. معاویه، فرمانروای شام، او را به جبل عامل فرستاد و ابی ذر نیز با تلاشهای خود، بذر تشیع را در آنجا پاشید. او بیشترین فعالیت خود را در دو روستای صرفند در ساحل دریای مدیترانه و فعالیس در جنوب شرقی جبل عامل، بر فراز بلندیهای مشرف بر اردن متمرکز نمود. بعدها، توسط مردم قدرشناس آن خطّه، در هر دو روستای یاد شده مسجدی به نام ابوذر ساخته شد و بدین گونه تشیع در منطقه جبل عامل نفوذ کرده، به دیگر مناطق راه یافت.

جبل عامل در روایات

یکی از امتیازات منطقه جبل عامل را می توان جایگاه ممتازش در روایات اهل بیت علیهم السلام یاد کرد. با بررسی متون دینی و گفته های علما و محققان، این واقعیت روشن می شود. امام صادق علیه السلام در حدیثی به درخشش این نقطه از جهان اسلام در عصر غیبت اشاره کرده اند. ایشان بعد از ستایش شیعیان مقاوم و استوار آنجا می فرماید: «هَؤُلَاءِ شِيعَتُنَا حَقًّا وَهُمْ أَنْصَارُنَا وَإِخْوَانُنَا وَالْمُؤَاسُونَ لِعَرِيبِنَا وَالْحَافِظُونَ لِسِرِّنَا وَاللَّيْنَةُ قُلُوبُهُمْ لَنَا وَالْقَاسِيَةُ قُلُوبُهُمْ عَلَى أَعْدَائِنَا وَهُمْ كَسَّانِ السَّفِينَةِ فِي حَالِ غَيْبَتِنَا تُمَحِّلُ الْبِلَادَ دُونَ بِلَادِهِمْ وَلَا يُصَابُونَ بِالصَّوَاعِقِ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَعْرِفُونَ حُقُوقَ اللَّهِ وَيَسْأُونَ بَيْنَ إِخْوَانِهِمْ أَوْلِيكَ الْمَرْحُومُونَ الْمَغْفُورُ لِحَيَّتِهِمْ وَمَمَيَّتِهِمْ وَذَكَرَهُمْ وَأَنْثَاهُمْ وَلِأَسْوَدِهِمْ وَأَبْيَضِهِمْ وَحَرَّهِمْ وَعَبْدِهِمْ وَإِنَّ فِيهِمْ رِجَالًا يَنْتَظِرُونَ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُنتَظِرِينَ؛ آنان شیعیان حقیقی ما هستند و یاران و برادران ما محسوب می شوند، با غریبان ما برادری و مواسات کرده و اسرار ما را حفظ می کنند دلهایشان برای ما نرم و بر دشمنان ما سخت است. آنان همانند ساکنین کشتی در حال غیبت هستند [که اهل نجات اند]. شهرها خشک و قحط زده می شود؛ اما آنجا سرسبز است و در معرض بلایای طبیعی قرار نمی گیرد. امر به معروف و نهی از منکر می کنند، حقوق خدا را شناخته، در بین برادرانشان مساوات را رعایت می کنند. آنها مورد رحمت الهی هستند و زنده و مرده، مرد و زن، سیاه و سفید و آزاد و بنده شان آمرزیده می شوند و در میان آنان مردانی است که انتظار [ظهور دولت حقه را] می کشند و خداوند منتظران را دوست دارد.

نهضت فرهنگی شیعه، در جبل عامل پیشینه ای عمیق دارد و به قرنهای چهارم و پنجم هجری قمری برمی گردد. زمانی که باورهای شیعی در آن منطقه بارور شد، جنبشهای علمی و فرهنگی نیز به تدریج شکل گرفت؛ چرا که فرهنگ تشیع همواره با خیزشهای علمی و فرهنگی همراه بوده است. هنگامی که شیخ مفید، متفکر بزرگ شیعی در سال 413 ق در عراق وفات یافت، شخصیت وی شیعیان جبل عامل را به شدت تحت تأثیر قرار داد. عبد الحسین بن غلبون صوری (متوفی به سال 419 ق)، از شاعران پرشور جبل عاملی، در سوگ وی اشعاری سرود و پیوند عمیق خود و همشهریان شیعه اش را با آن عالم برجسته اعلام نمود. سید مرتضی، شاگرد شیخ مفید نیز برای مردم صیدا کتابی در زمینه فقهی نوشت و آن را مسائل صیداویه نامید. ابو الفتح کراچکی، شاگرد دیگر شیخ مفید، به شام، طرابلس، صیدا و صور سفر نمود و برای مردم صیدا، کتاب «انتفاع المؤمنین» و برای اهل صور، کتاب «الاصول فی مذهب آل رسول» را در هنگام اقامتش در آن دو شهر تألیف کرد.

در اثر همین پیوندهای مردم جبل عامل با مراکز فرهنگی شیعه بود که نخبگان شایسته ای به عراق آمده، به تحصیلات علوم دینی پرداختند. اسماعیل بن حسن عودی جزینی (متوفی به سال 580 ق) بعد از کسب علم در دانشگاه حله، به زادگاهش جزین بازگشت و معارف اهل بیت علیهم السلام را در آنجا ترویج نمود. طومان بن احمد مناری، یوسف بن حاتم و صالح بن مشرف، از شاگردان علامه حلی و عز الدین حسن بن حسام، شاگرد فخر المحققین، از جمله عالمان پرتلاشی بودند که از خطه جبل عامل به عراق هجرت کردند و به نهضت فرهنگی شیعه در زادگاه خود غنا بخشیدند.

شیخ طه بن محمد بن فخر الدین، جد شهید اول، از عالمان مورد اعتمادی بود که تأثیر به سزایی در شکوفایی مکتب جبل عامل داشت.

هنگامی که فقیه بزرگ شیعی، ابو القاسم بن حسین بن عود اسدی، در اواخر قرن هفتم در جبل عامل درگذشت، زمینه های یک نهضت فکری شیعی در آنجا به وجود آمد و بستر پرورش عالمان بزرگی در آینده نزدیک در آن ناحیه فراهم شد.

در آن هنگام، جبل عامل افق علمی روشنی را فرا روی خود داشت که پدید آمدن مکتب فعال فقهی و اعتقادی شیعه را نوید می داد. همین زمینه ها از عواملی بود که بزرگ رهبر جهان تشیع و بنیانگذار نهضت فرهنگی و سیاسی امامیه که در منطقه جبل عامل در اوایل قرن هشتم متولد شد، بعد از نیل به درجات عالی علمی و معنوی، مدرسه تحوّل آفرین و سرنوشت ساز جزین را تأسیس کند که بعدها آثار و برکاتش بر سرتاسر مناطق اسلامی، به ویژه کشور ایران ظاهر گردید. حتی امروزه بعد از گذشت 7 قرن، تأثیر عمیق مدرسه جزین که شهید اول، به راه انداخت، به وضوح در پویایی، بالندگی و رشد اندیشه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جوامع شیعی کاملاً نمایان است.

چهره های ماندگار شیعی که از جبل عامل برخاستند، در قرنهای دهم و یازدهم و بعد از آن به دیگر مناطق به ویژه ایران مهاجرت کردند و مکتبهای مختلفی را در سایر مناطق بنیان نهادند، آثار ارزشمندی از خود به جای گذاشتند و شاگردان ممتازی را تربیت کردند که نمونه دیگری از برکات مدرسه جزین در قرن هشتم می باشد.

حوزه علمیه جبل عامل در قرن هشتم آن چنان اوج گرفت که شیخ حرّ عاملی می نویسد: در یکی از روستاهای جبل عامل در زمان نزدیک به عصر شهید اول، هفتاد مجتهد در تشیّع جنازه ای شرکت داشتند. بعد از شهادت شهید اول مدارس متعددی در شهرکهای جبل عامل تأسیس گردید که از میان آنها می توان به مدرسه میس، کرک، نوریه در بقاع و مدارس دیگری در بعلبک و جیج و عینا و نبطیه اشاره کرد.

دانشمندان و شعرای زیادی از این خطّه برخاسته اند که همچون ستارگان پرفروغی در آسمان تشیع می درخشند و فضای معنوی این شهرک مرتبط با قدس را زینت می بخشند. یکی از شعرای نامدار جرّین، عبد الله بن ایوب جرّینی است که در زمان امام هشتم علیه السلام از شعرا و یاران آن حضرت بود. از فقها و دانشمندان این شهرک، می توان به اسد الدین صائغ جرّینی و شیخ احمد بن طی جرّینی (جد بزرگ شهید اوّل) و شیخ محمد مکی جرّینی (پدر شهید) اشاره کرد.

شهید اوّل کیست؟

محمد بن مکی عاملی جرّینی معروف به شهید اوّل، در سال 734 ه. ق در شهرک جرّین در کشور لبنان متولد شد. او فرزند شیخ جمال الدین مکی بن شیخ شمس الدین محمد بن حامد بود و لقب شیخ که پدران او داشتند، گواهی می دهد که آنان اهل علم بوده اند، شیخ حرّ عاملی، از جدّ وی به عنوان عالم ثقه یاد می کند و در مورد پدرش می گوید: او از استادان فاضل زمان خود بود.

محمد بن مکی بعد از فراگیری دروس موجود در منطقه، به حلّه، مرکز علمی شیعه در آن عصر شتافت و نزد اساتید آن سامان به ادامه تحصیل پرداخت و به مقامات عالیه علمی دست یافت.

شهید بعد از اخذ اجازه نامه از اساتید خویش همچون فخر المحققین، محمد بن معیه، شمس الاثمه کرمانی و محمد بن سعید قرشی به دمشق و مصر رفت. آنگاه در مکه و مدینه حضور یافته، نزد چهل تن از دانشمندان اهل سنت درس خواند و اجازه روایت گرفت.

شهید اوّل در رتبه علمی خود، به مرجعیت فقهی مذاهب پنجگانه نایل گردید. او نخستین فقیه شیعه است که از جبل عامل برخاسته، در جهان اسلام به مقامات عالیه علمی، اجتماعی و سیاسی دست یافت و پایگاه بزرگ علمی شیعه را بنیان نهاد.

به راه انداختن جنبش علمی مستقل شیعه، تأثیر فکری و اجتماعی عمیق در افکار عمومی و پرورش فقیهان و دانش اندوختگان کم نظیر، از دست آوردهای مدرسه جرّین جبل عامل است. شهید اوّل با ایجاد این حوزه عظیم بسیاری از دانش دوستان را به جبل عامل کشاند و در چشمه سار معارف اهل بیت علیهم السلام سیراب ساخت.

ستاره درخشان جبل عامل، آن چنان به معارف اهل بیت و فقه امامیه تسلط داشت که در پاسخ نامه حاکم خراسان، علی بن مؤیّد، که حضور وی را در خراسان درخواست کرده بود، با یگانه منبع فقهی در دسترسش که همان مختصر نافع محقق حلی بود، در مدّت هفت روز کتاب ارزشمند «اللمعة الدمشقیة» را تألیف کرد و آن را به عنوان مرجع فقه شیعی به آن دیار فرستاد. حرکتی که توسط شهید در مدرسه جرّین آغاز شد، به سرعت رشد نمود و با تلاشهای شاگردان شهید که نمایندگان وی بودند، در نقاط دیگر منتشر گردید.

در اینجا به برخی از اساتید، شاگردان، تألیفات و اقدامات شهید اول که همه در راستای نشر معارف اهل بیت علیهم السلام انجام شده است، نظری می اندازیم:

پاسداری از ارزشهای دینی

شهید اوّل به عنوان مدافع اهل بیت علیهم السلام در صحنه های سیاسی و اجتماعی حضور می یافت و از مرزهای عقیدتی شیعه به نحو شایسته ای پاسداری می کرد که اقدامات تبلیغی وی به چند بخش تقدیم می

شود:

1. مبارزه با بدعت گزاران

محمد یالوشی عاملی، در اوایل از شاگردان شهید اوّل به شمار می آمد. وی در سخنوری بیانی شیرین و جذّاب داشت؛ امّا به جای ادامه تحصیلات و کسب دانش از محضر پرفیض شهید اوّل، به علوم سحر و کهنات و شعبده روی آورده و از این راه ادعای نبوت کرد و مردم ساده لوح را به مذهب جدیدی فراخواند. شهید اوّل، برای دفع تفرقه و بدعت، اوّل سحر او را با سحر باطل کرد و آنگاه با حمایت حکومت وقت پایگاه یالوشی را در نبطیه جبل عامل نابود ساخته، عوامل فتنه را ریشه کن نمود.

امّا دو نفر از یاران وی به نامهای یوسف بن یحیی و تقی الدین جبل الخیامی القاضی که با او همدست و هم عقیده بودند و قبلاً از دروس شیخ نیز استفاده می کردند، از ماجرای سرکوب یالوشی جان سالم به در بردند. چندی بعد، آن دو علیه شهید توطئه کرده، با سعایت و سخن چینی در شهادت شهید دست داشتند. به این ترتیب باقیمانده فتنه گران با شکست خوردگان صحنه های علمی در مقابل عظمت و شکوه مقام شهید دست به دست هم داده، زمینه شهادت آن بزرگوار را فراهم آوردند.

2. حمایت از جنبشهای انقلابی شیعه

هنگامی که آوازه جنبش علمی و دینی شهید در جبل عامل به سراسر جهان اسلام رسید، مشتاقان معارف اسلامی و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام با او ارتباط برقرار کردند و رهنمود خواستند. یکی از کسانی که با شهید اوّل ارتباط داشت و از او به عنوان مرجع دینی شیعیان راهنمایی می خواست، امیر علی موید، آخرین امیر سلسله سربداران خراسان بود. او که با اعتقادات شیعی بر خراسان حکومت می کرد، نهایت تلاش خویش را در ترویج و تثبیت آیین اهل بیت علیهم السلام به کار گرفته بود. خواجه مؤید هر صبح و شب به انتظار حضرت صاحب الزمان علیه السلام بود و نامهای دوازده امام را بر روی سگّه ها ثبت کرده بود.

او در مقابل جناح درویشان تندرو، قصد داشت تا اسلام فقهاتی را در جامعه حاکم سازد؛ به همین منظور از تمام دانشمندان و فقیهان شیعه دعوت به عمل آورد. او در همین راستا، از شهید اوّل، مرجع بزرگ شیعیان در جبل عامل، برای سفر به خراسان دعوت نمود و پیکری را به نام شمس الدین محمد آوی به همراه یک جلد کلام الله و نامه ای مکتوب به نزد وی فرستاد. در فرازی از نامه خواجه مؤید آمده بود: «محضر مبارک مولای ما، آن پیشوای بلند همت و با اراده، دانشمند وظیفه شناس، علامه روزگار، رهبر ملتها، سرمشق دانشمندان عمق نگر، دارنده انواع فضایل و دانشها و هنرها، احیا کننده رسم امامان، پیشوای ما، خورشید راستی و دین، که خداوند متعال سایه اش را بر سر دولتی خوش بنیان و نعمتی بیکران بگستراند. به عرض آن جناب می رسانم که شیعیان خراسان تشنه دیدار و فیض بردن از دریای فضل و دانش شمایند. از وضع بد روزگار بزرگان علمی این دیار پراکنده گشته و بیشترشان از میان رفته اند. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «تُلْمَةُ الدِّينِ مَوْتُ الْعُلَمَاءِ؛ مرگ دانشمندان لطمه و شکست دین است.» ما در میان خود کسی را نمی یابیم که به فتوایش از لحاظ علمی اعتماد کرده یا عقاید درست را از او فرا بگیریم. از خدای متعال مسئلت داریم که حضرتت به ما افتخار حضور و افشاندن نور بخشد تا از علمش پیروی کرده و از راه و رسمش رفتار آموزیم.»

دانشمند فرزانه جبل عامل، بنابر عللی از پذیرش دعوت سلطان خراسان خودداری کرد؛ امّا این دعوت را بدون

پاسخ نگذاشت. متن پاسخ نامه شهید گرچه الآن موجود نیست، اما کتاب ارزشمند اللمعة الدمشقية که یک دوره فقه جامع شیعی و احکام عملی اسلام را در بر دارد، هدیه جاویدانی بود که شهید اوّل در پاسخ دعوت خواجه علی مؤید تألیف و ارسال نمود تا مردم آن سامان از راهنماییهای آن استفاده کرده، به فتاوی فقهی اش عمل نمایند.

به این ترتیب، شیخ شهید از لحاظ فکری و عقیدتی، جنبش سربداران را در آن وضعیت بحرانی پشتیبانی نمود و چراغ راه گردید.

3. تلاش برای وحدت مسلمانان

شهید اوّل به عنوان یک مصلح بیدارگر در راه تحکیم پیوند مسلمانان از هیچ کوششی فروگذاری نمی کرد. او که به شکوه و عظمت اسلام و مسلمانان در مقابل دشمنان می اندیشید، رمز توفیق را در وحدت کلمه و کلمه توحید می دانست. مجلس درس وی همواره از دانشمندان شیعه و سنی موج می زد و آنان برای استفاده، مباحثه، حل مشکلات و مناظره در جلسات او حضور می یافتند. دوراندیشی و ژرف نگری این عالم مصلح موجب شده بود که از طرح مسائل اختلافی بپرهیزد. او حتی در هنگام حضور اهل تسنن، کتابهای ویژه شیعیان را مخفی می کرد. برخی گفته اند که علت عدم پذیرش پاسخ حاکم سربداران برای حضور در خراسان، حفظ وحدت مسلمانان، تداوم حرکت بیدارگرانه و وحدت آفرین او در منطقه شامات بوده است؛ اما برنامه های اصلاحی و انقلابی شهید اوّل طوری تنظیم شده بود که در فاصله دو قرن آینده، جبل عامل وظیفه خود را در پرورش علمای برجسته و فرزندانگانه نستوه شیعی به خوبی انجام داد و همشهریان شهید اوّل با کوله باری از دانش و تجربه و اطلاعات برای استوار ساختن بنیادهای تشیع به ایران آمدند و دودمان صفوی را از لحاظ علمی و معنوی غنی کردند.

اساتید شهید اوّل

در این بخش به اساتید ممتاز شهید اوّل اشاره می کنیم:

1. اسد الدین صائغ جزیّنی: وی از دانشمندان معروف آن عصر می باشد و علاوه بر سمت استادی شهید اوّل، پدرزن و عموی او نیز بود. این دانشمند جبل عاملی در سیزده رشته علوم به ویژه ریاضیات مهارت و تخصص شایانی داشته است؛
2. جمال الدین ابو محمد مکی بن محمد بن حامد عاملی جزیّنی: پدر و استاد شهید اوّل و از بزرگان علمای امامیه در منطقه جبل عامل و از شاگردان نجم الدین طومان عاملی بود که در سال 728 درگذشت؛
3. فخر المحققین فرزند علامه حلّی؛
4. سید تاج الدین بن معیه حسنی: وی به شهید اوّل اجازه اجتهاد و نقل حدیث هم داده است؛
5. عبد الحمید بن فخر موسوی؛
6. سید عمید الدین حسینی حلّی (خواهرزاده علامه حلّی که به شهید اجازه اجتهاد و روایت داد)؛
7. سید ضیاء الدین حسینی حلّی (ایشان نیز خواهرزاده علامه حلّی بود که به وی اجازه اجتهاد و روایت داد)؛
8. نجم الدین جعفر بن نما؛
9. سید علاء الدین علی بن زهره حسینی حلّی؛

10. سید مهتّا بن سنان المدنی صاحب «المسائل»؛

11. قطب الدین رازی: از نخبگان فقه و الهیات و علوم عقلی و نقلی و شاگرد برجسته علامه حلّی که شهید در مورد وی گفته است: «او دریای بی کران علم بود و در تمام زمینه ها به من اجازه داد.»

تربیت مبلغان دانشمند

همچنان که اشاره شد، شهید اوّل در حوزه درسی خویش شایستگان و نخبگان فراوانی را تربیت کرد که برخی از آنان از مفاخر علمی جبل عامل به شمار می آیند و برخی دیگر نیز پرورش یافتگان این منطقه در نقاط دیگر هستند. در اینجا به مهم ترین شاگردان وی اشاره می کنیم:

1. شیخ رضی الدین ابوطالب محمد بن محمد بن مکی جزینی عاملی: او فرزند ارشد شهید اوّل و دانشمندی جلیل القدر بود که از پدر بزرگوارش روایاتی نقل کرده است؛

2. شیخ ضیاء الدین ابو القاسم علی بن محمد بن مکی عاملی جزینی: وی یکی دیگر از فرزندان شیخ شهید بود. شیخ حرّ عاملی در مورد وی می گوید: «او فاضلی محقق، شایسته، پارسا و مورد اعتماد است.»

3. شیخ جمال الدین ابو منصور حسن عاملی جزینی، فرزند کوچک شهید اوّل: وی محقق بزرگوار و فقیهی فاضل بود که شهید اوّل برای وی و برادرانش ارزش ویژه ای قائل بود؛

4. امّ علیّ، همسر شهید اوّل: ایشان نیز از بانوان دانشمند و مروج معارف اهل بیت علیهم السلام بود. او بانویی دانشمند، پارسا، فقیه و عابد بود و مورد تمجید و ستایش شهید اوّل قرار گرفته بود. شهید همواره مسائل بانوان و پرسشهای مذهبی آنان را به امّ علیّ همسر با فضل خود ارجاع می داد؛

5. ست المشایخ امّ الحسن فاطمه دختر شهید اوّل: او نیز از بانوان دانشمند جبل عامل و از دست پروردگان شهید اوّل می باشد. او را می توان الگوی بانوان شیعه در جبل عامل قلمداد کرد. این بانوی فقیه مورد احترام و عنایت فقهای عصر و عموم مردم بوده است، تا جایی که در تشییع جنازه اش بیش از هفتاد مجتهد مسلم از جبل عامل در قریه جزّین شرکت کردند.

اگر چه از آثار قلمی این بانوی متفکر جبل عاملی چیزی در دست نیست، امّا نامه ای که وی در مورد بخشش ارثیه پدر شهیدش به برادران خود نوشت، در دست است که نشانگر مایه های علمی و آگاهیهای عمیق او در مورد معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام می باشد. او اموال خویش را به صورت هبه معوضه به برادرانش هدیه می کند و در مقابل، کتابهای فقهی و علمی را از آنها دریافت می دارد. و این موضوع نهایت علاقه ایشان را به علم و دانش می رساند.

این نوشته که حاوی موضوعات مهمی از جمله اطلاعات گسترده دختر شهید به احکام شرعی، اشتیاق وی به کتاب و علم و دانش، خبر از سلسله نسب خاندان شهید اوّل و تجلیل از پدر و برادران می باشد، امروزه در نزد آل شمس الدین عینا موجود بوده و صاحب تکمله امل الامل آن را مشاهده کرده است؛

6. سید ابو طالب احمد بن قاسم بن زهره حسینی؛

7. سید بدر الدین حسن بن ایوب مشهور به ابن اعرج اطراوی عاملی: وی از شاگردان معروف شهید و از مفاخر جبل عامل محسوب می شود؛

8. شیخ عبد الرحمن العتائقی: وی نویسنده کتابهای متعدد است که از شهید اوّل بیشترین بهره ها را در کسب علوم اسلامی برده است؛

9. شیخ شرف الدین ابو عبدالله المقداد معروف به فاضل مقداد سیوری؛
10. شیخ محمد بن تاج الدین عبد علی مشهور به «ابن نجده» که از محضر شهید بهره ها برد؛
11. شیخ حسن بن سلیمان حلی صاحب مختصر بصائر الدرجات؛
12. شیخ شمس الدین محمد بن عبد الفانی کرکی عاملی: شیخ شهید به مناسبت بازگشت وی از زیارت بیت الحرام قصیده ای سرود که مطلع آن چنین است:
قدمت بطالع السعد السعید و حیّاک القریب مع البعید
13. شیخ زین الدین علی بن خازن حائری: اجازه نامه ای مدوّن با عبارات عالی از شهید به این شاگرد شایسته اش موجود است.

آثار قلمی

آثار قلمی شهید اوّل نیز که همه در راستای نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و گسترش اندیشه های شیعی ایجاد گشته، دلیل دیگری بر عظمت و شکوه مکتب جبل عامل در قرن هشتم می باشد. در اینجا به فهرست مهم ترین آثار منتشره شهید اوّل اشاره می کنیم:

1. اللّعة الدمشقیة: این کتاب مشهورترین اثر شهید و از ارزشمندترین گنجینه های فقهی شیعه و محکم ترین متن فقهی می باشد که در طول قرنهای در حوزه های شیعی تدریس شده و فقه جویان مشتاق را سیراب نموده است؛

2. الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة؛

3. الالفیة؛

4. النفلیة؛

5. البیان؛

6. ذکر الشیعه فی احکام الشریعه؛

7. غایة المراد فی شرح نکت الارشاد؛

8. القواعد الفقهیه که در حدود 300 قاعده فقهی را شرح کرده است؛

9. اربعون حدیثاً؛

10. خلاصة الاعتبار فی الحج والاعتمار؛

11. جواز ابداع السفر فی شهر رمضان؛

12. جوابات الفاضل المقداد؛

13. احکام الاموات؛

14. مجموعة الشهيد الاول؛

15. جوابات مسائل الاطراوی؛

16. مسائل ابن مکی؛

17. جامع البین من فوائد الشرحین؛

18. حاشیه علی الذکری؛

19. العقیدة الاسلامیة؛

20. اختصار الجعفریات،

21. مزار الشہید؛

22. المقالة التکلیفیه،

23. مجموعه الاجازات.

کتابهای شہید اوّل بیش از سی مورد است که در موضوعات مختلف علوم مانند: فقه، اصول، کلام، حدیث، ادبیات و شعر تألیف شده است.

شہادت در راه تبلیغ

در سال 784 (ه. ق) حکومت شامات در دست فردی به نام «بیدمر» بود که توسط «برقوق»، اولین پادشاه سلسله چراکسه به این منصب گمارده شده بود. در آن سال شہید اوّل بر اثر حسادت و دشمنی بدخواهان به زندان افتاد و مدت یک سال شاگردان و دوستانش از فیض حضورش بی نصیب ماندند. او در زندان از خود دفاع کرد و در ضمن اشعاری به شاه چنین گفت: «به جانم قسم! هیچ گاه جنایتی را مرتکب نشده ام و کسی که ظلم و جنایتی را مرتکب نشده است، چرا عذرخواهی کند؟ شما نباید به گفتار سخن چینان که به دروغ و از روی دشمنی گفته اند ترتیب اثر دهید! خدا را گواه می گیرم که من از این اتهامات به دور هستم. عقیده خالص من دوستی و محبت پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و عشق ورزیدن به کسانی است که پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ را دوست دارند و دوستدار صحابه و همراهان راستین پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ می باشم.

او سپس آزادی خویش را درخواست کرد؛ اما مورد موافقت قرار نگرفت. عاقبت، مجلس محاکمه اسوه ایمان و تقوا و قلّه فقاہت و دانش با حضور شاه و عباد بن جماعه قاضی القضاة دمشق و سایر قضاة درباری برگزار شد و دفاع شہید نیز سودی نبخشید. بالاخره حکم از پیش تعیین شده قاضی مبنی بر قتل آن راد مرد الهی اعلام شد. لباس او را از بدن مطہرش بیرون آوردند و لباس شہادت پوشانند. بعد از شہادت بدن را به دار زدند و سپس سنگسارش کردند و آنگاه جسم بی جان را سوزاندند تا آثاری از آن باقی نماند.

پیوند با ابدیت

گرچه معاندان و مخالفان فرهنگ اهل بیت علیہم السلام جسم شہید را به دار زدند و سوزاندند تا به خیال خام خود اندیشه های اهل بیت علیہم السلام را از میان بردارند؛ اما افکار ناب محمدی صلی اللہ علیہ و آلہ و معارف اهل بیت علیہم السلام با تلاشهای آن مجاہد خستگی ناپذیر در مناطق وسیعی از جهان اسلام انتشار یافته و ابدی گشته بود.

شاید آن روز دستان پلیدی که او را به شہادت رساندند، تصور نمی کردند که با شہادت مجسمه تقوا و استاد فقیهان، او را جاودانه کرده، با ابدیت پیوند می دهند؛ آری، محمد بن مکی تمام نوشته ها، افکار و عقاید خود را با خون خویش امضا کرد و جاودانگی اش را اثبات نمود. امروزه شہید اوّل در قلب شیفتگان دانش و معرفت اهل بیت علیہم السلام جای دارد.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است در جریدہ عالم دوام ما

گو نام ما ز یاد بعمدا چه می بر
یخود آید آنکه یاد نیاری ز نام ما